

دکتر محمد علی چلونگر
دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان
مریم بریحی نژاد
دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
M. Barihi@yahoo.com

تأثیرات و تبادلات معماری بین عراق و مصر در دوران اسلامی

چکیده:

عراق و مصر از قدیمی‌ترین سرزمین‌هایی می‌باشند که تمدن بشری از آن‌جا نشأت گرفته است، طبق اسناد موجود، بین این دو سرزمین کهن، از دیر باز نیز، مراودات و تبادلات فرهنگی و هنری وجود داشته است که نامه‌های کشف شده در "تل العمارنه" بهترین دلیل بر این مدعا می‌باشد. این پژوهش در صدد است که با استفاده از شواهد مثال، به تأثیر تبادلات معماری بین عراق و مصر که حاصل وجود وحدت سیاسی و تمدن ناشی از ظهور اسلام، در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی بوده است و علی‌الخصوص در این دو کشور با گذشت زمان نیز، افزایش یافته، بپردازد. تبادلات فرهنگی و هنری که همواره معلول عواملی همچون: مبادله و ارسال و الیان و حکام و مهاجرت و انتقال صنعتگران و ارباب حرف، بین مصر و عراق، که نقش بسیار مهمی در این امر داشته‌اند.

کلید واژه‌ها: عراق، مصر، معماری اسلامی.

مقدمه

همواره مسلمانان در ساخت شهرهای جدید، سعی داشته‌اند که به بهترین نحو، از دستاوردهای معماری ملل مفتوحه بهره‌برند و شهرهای خود را توسعه بخشند. در واقع، اعراب بعد از آنکه به واسطه اسلام، به وحدت رسیدند، در ابتدای امر، به جهاد و فتوحات مشغول شدند و توجه چندانی به ظواهر دنیوی نداشتند. پس جای تعجب نیست اگر در زمینه معماری و صنایع و فنون دیگر، از شیوه و روش‌های حکومت‌های قبل از خود هما‌نند، حکومت‌های ساسانی و بیزانس که قبل از آن‌ها بر مناطق تحت تسلط اعراب سیادت می‌کردند، متأثر شوند.

در حقیقت امر، در طول تاریخ، تمدن‌ها همواره به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر گذارده‌اند و از یکدیگر نیز، تأثیر پذیرفته‌اند و اقتباس هر ملتی در برخی مظاهر تمدنی از ملت‌های قبل از خود، امری طبیعی است، زیرا تمدن انسانی دارای حلقه‌های متعددی است که یکدیگر را تکمیل می‌کنند و بدون شک، در ایجاد و تکمیل این حلقه‌ها اقوام گوناگونی در مکان‌های مختلف و زمان‌های متفاوت سهیم بوده‌اند. در این میان، اعراب مسلمان نیز مانند اقوام گذشته، به سرعت و قبل از قرن اول هجری، شیوه فنی و معماری را خالق شدند که شکل و شمایل و مشخصات خاص خود را داشت، شیوه‌ای که در فرهنگ و هنر، از اقتباس‌کننده در فنون، جای خود را به مبتکر و مبتدع داد و متحول شد. در واقع، معماری از جمله هنرهایی بود که اعراب به اقتضای دین اسلام در آن ابتکاراتی را، ایجاد کردند و آن را متطور نمودند به طوری که، عناصر و جلوه‌های این هنر، از یک سرزمین اسلامی به دیگر سرزمین‌های اسلامی و حتی غیر اسلامی تأثیری متقابل گذاشت.

در این مقاله هدف، پرداختن به مهمترین تأثیرات معماری بین عراق و مصر است که با استفاده از روش مقایسه‌ای-تحلیلی تأثیرات متبادل در بین عراق و مصر را مشخص نموده و به توضیح علل مطروحه پرداخته شده است.

عوامل انتقال عناصر معماری بین عراق و مصر

تمدن عراق، از مهم‌ترین تمدن‌های سرزمین‌های شرق اسلامی است که در سایه آن، بسیاری از تمدن‌های قدیم نظیر: سومر، آکد، بابل و آشور رشد یافتند. مصر نیز، از کشورهای قدیمی جهان است

که دارای تمدن و آثار کهن است و به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد خود، از مهم‌ترین حلقه‌های ارتباط تمدن، بین شرق و غرب جهان اسلامی به شمار می‌رفته است.

در واقع، بین مصر و عراق، از دیرباز مراودات و تبادلات تمدنی و فرهنگی وجود داشته است، مراوداتی که در طول دوره اسلامی، به دلیل مرکزیت بغداد و اهمیت سیاسی نظامی قاهره در مصر، برای مدت طولانی ادامه داشته و سپس گسترش یافته است که در این زمینه میتوان به فرستادن والیان و حکام اشاره کرد که نقش بسزایی را در نقل و انتقال ظواهر فنی و معماری بین دوسرزمین عراق و مصر، ایفا نموده اند. برای مثال: عبد الله بن حباب موصلی والی امویان که والی مصر و شمال افریقا نیز، بود.^۱ در تونس به واسطه استقرار برخی خانواده‌های موصول، سبب انتقال برخی از مشخصات و ویژگیهای فنی از عراق به تونس شد. همچنین، احمد بن طولون، که در سامراء رشد یافت و دوران زندگی وی، معاصر با دوران حکومت معتصم و متوکل عباسی بود، حاکمانی کهعلاقه و اهتمام زیادی به امر ساختمان سازی داشتند و بر همین اساس، احمد بن طولون هم، هنگامی که به عنوان والی، به مصر منتقل شد بدیهی بود که بسیاری از جلوه‌های معماری مختص به عراق را، در بناهای خود در مصر به کار گیرد.^۲

عامل مؤثر دیگر، در تبادلات معماری دو سرزمین عراق و مصر، انتقال صنعتگران و مهاجرت آنها از عراق به مصر و برعکس می‌باشد. دلیل این مدعا، جابجایی برخی از صنعتگران و اهل حرف، از مصر به موصل در اواخر قرن ششم هجری/دوازدهم میلادی است که تأثیر بسزایی در رونق حرفه ها و صنایع شهرهای موصل و عراق بجا گذاشت. همچنین مهاجرت صنعتگران از موصل به مصر، بعد از استیلای مغول در سال (600 هجری/1262م.)، سبب انتقال برخی فنون و عناصر معماری موصل به مصر گردید.^۳ علاوه بر موارد ذکر شده، می‌توان به برخی ساخته‌های معماری، که امکان نقل آنها از سرزمینی به سرزمین دیگر وجود داشته و نقش بسیار مهمی در تأثیرات معماری ایفا می‌کردند، اشاره نمود. برای مثال: منبر مسجد جامع قیروان، ساخته دست هنرمندان در سرزمین عراق است که از آن جا به قیروان منتقل شد. بدون شک، به صورت غیر مستقیم، انتقال برخی عناصر معماری عراق، از شمال آفریقا به مصر بی تأثیر نبوده است.

به طور کلی از دیگر عوامل مهم ومؤثر در تبدلات هنری و معماری، می‌توان به مواردی هم چون؛ جابه جایی و مسافرت افراد وجهانگردان، سفرنامه نویسان و جغرافی دانان اشاره کرد، یا نظیر آنچه در کتاب "معاجم البلدان" در توصیف شهر هاو آثار باقی مانده تاریخی آمده است، یا آن چه ابن جیبر در رابطه با بسیاری از سرزمین‌های مغرب و مشرق عربی، که از نزدیک آنها را دیده بود و به دقت همه آثار متمایز درباره آنها را مشاهده کرده بودو به وصف آنها پرداخته بود اشاره کرد. نتیجه مهاجرت علما و کاروان‌های حجاج همتأثیر وتبادل علمی است زیرا، در بین آنها اغلباهل صنایع و حرف وجود داشته است.

تأثیرات متقابل معماری بین عراق و مصر

در بیان تأثیرات معماری بین دو سرزمین عراق ومصر، نظر به اهمیت بناهای مذهبی در اجتماعات مدنی اسلامی، در وهله اول به بررسی تبدلات عناصر معماری در مساجد دو سرزمین پرداخته می‌شود.

مسجد جامع ابن طولون، پس از مسجد عمرو در فسطاط، به عنوان قدیمی‌ترین مسجد به جای مانده در مصر محسوب می‌شود. طراحی و معماری مسجد جامع ابن طولون به طور مستقیم بر گرفته شده از عمارت عباسیان در سامراء است، اضافاتی که دیوارهای خارجی مسجد را در برمی گیرد قبل از آن در مسجد سامراءو ابی دلف به کار رفته بود.^۴ در هر دو مسجد، (متوکل در سامراء واحمد ابن طولون) به منظور بر پا ساختن سقف، از جرزهای آجری به جایستون‌های مرمری استفاده شده است و از همهمهمتر فرم حلزونی مناره و قرار گرفتن آن است که، خارج از محوطه مسجد قرار دارد و به طور عینی، از معماری مسجد متوکل در سامراء الهام گرفته است. به کارگیری روش جرزهای آجری، در بر پا نگه داشتن سقف، قبل از این نیز، در مسجد سامراء صورت گرفته بود اما، مسجد ابن طولون نمونه سالم وبدون عیب استفاده از این روش، در خارج از سامراء به شمار می‌آید. همچنین این بنا عامل انتقال جرز، طاقهای جناغی و دیوارهای بارو است، چیزی شبیه به معماری گوتیک در اروپا. در واقع، به نظر می‌رسد ارتباطات گسترده‌ای که بینبازرگانان غربی با فاطمیان وجود داشته است، عامل این انتقال می‌باشد. از دیگر تأثیرات معماری بین عراق ومصر در خصوص مساجد، مناره مسجد خانقاه امیر قوصون در صحرا سیوطی(736/1336م) در دوره ممالیک بحری است. طراحی معماری

این مناره برگرفته شده از مناره مسجد جامع نوری در شهر موصل عراق، مربوط به دوران اتابکان (568-566ه) است. مناره خانقاه امیر قوصون، دارای دو پلکان است. این پلکان ها طوری طراحی شده اند که در پیچ اول و دوم به هیچ عنوان، شخص بالا رونده از پلکان، فردی را که در حال پایین آمدن از پله ها است را نمی بیند،^۵ درست مانند مناره مسجد جامع نوریدر عراق. این مناره نیز، از دو پلکان تشکیل شده است، طراحی پلکان ها به این صورت است که، پلکان اولی از پایین پایه حرمی شکل مناره دومی از بدنه اسطوانه‌ای شکل مناره، آغاز شده به طوری که، این نوع طراحی سبب شده، دو پلکان مذکور جز در قسمت بالای پلکان، به هم نرسند.

از دیگر عناصر معماری عراق، که بر ساخت مساجد در مصر تأثیر گذار بوده است، اسکلت بندی، یا به عبارتی دیگر بدنه ساختمان مساجد است. بدنه مسجد در جامع سامراء به شکل شانه‌های مربعی شکل است که، برای برپانگه داشتن سقف در سایبان مسجد طراحی شده بود،^۶ که در ارکان آن ستونهای استوانه‌ای شکل بلند قرار می‌گرفته، مانند همین نوع طراحی بدنه در مسجد جامع "ابی دلف"، با این تفاوت که در این مسجد، بدنه به شکل شانه‌های مستطیل شکل به کار گرفته شده است. این جلوه از هنر معماری مساجد در عراق، به مسجد جامع ابن طولون در مصر منتقل شد و در دوره اخشیدیان (مشهد آل طباطبا قاهره) و بعد از آن در دوره خلفای فاطمی (جامع خلیفه حاکم) آشکار شد.^۷ نوع دیگری از عناصر معماری تأثیر گذار از مساجد عراق بر مساجد مصر، ستون‌های جلوی مسجد است، این عنصر معماری، از مسجد سامراء عراق مورد اقتباس مسجد "عمرو عاص" در مصر قرار گرفته است. مسجد عمرو عاص که در زمان خود عمرو عاص در فسطاط بنا شده در شمار قدیمی تری مساجد مصر قرار می‌گیرد. گفته شده است، عبد الله بن طاهر که مدتی کوتاه برای آرام نمودن مصر به آنجا رفته بود، در قسمت غربی مسجد عمرو تغییراتی ایجاد کرد و آن را توسعه داد، به طوری که گستردگی آن دو برابر شد و پس از آن "تاج الجوامع" نامیده شد، البته معماری ستون ها به دوره توسعه مسجد عمرو عاص توسط عبدالله بن طاهر (212/827م). برمی گردد.^۸

تاج ستون ها، در بنای مساجد، جلوه دیگری از تأثیرات معماری بین عراق و مصر است. تاجهای جامی شکل ستون، به صورت آشکارا در قصر جوسق خلیفه معتصم، در سال (221ه/ 835م) نمایان گشت، پس از آن در سال (302ه/ 914م)، علی رغم استفاده نادر از این نوع معماری، در

مغرب عربی در تمام تاج ستون‌های مسجد جامع طولونی و کلیسای عذراء^۹، به جز درستون جامع قبروان، این نوع معماری به کار گرفته شد.^{۱۰}

در ادامه مطلب، چگونگی تأثیرات معماری آن دوره، در کاخ‌ها و دیگر منازل مسکونی بررسی می‌گردد، البته قبل از آن، اشاره‌ای به طراحی شهر قطائع خواهد شد. شهر قطائع توسط ابن طولون در سال (256هـ/ 869م) بنا شد. از این شهر خیابان وسیعی می‌گذشته است که قصر و مسجد جامع ابن طولون را به هم متصل می‌کرد. منابع عربی از خیابان یاد شده با نام (شارع الاعظم) یاد می‌کنند. شارع الاعظم قطائع عینا همانند شارع الاعظم سامراء، در عراق است که از شهر سامراء می‌گذشته و بعد از امتداد چند کیلومتر به قصر "بلکوارا" و "جامع ابی دلف" در شمال سامراء می‌رسیده است.^{۱۱} اما در خصوص تأثیرات عناصر معماری کاخ‌های بین مصر و عراق، می‌توان به قصر ابن طولوندر مصر اشاره کرد. اگر چه این قصر اکنون مدفون شده است اما، به احتمال زیاد تحت تأثیر طراحی قصرهادر عراق بوده است، معماری قصر ابن طولون الهام گرفته از معماری قصر جوسق و بلکوارادر عراق می‌باشد.^{۱۲}

تأثیرات عناصر معماری کاخ‌ها را، می‌توان در دوره خلافت فاطمیان در مصر دنبال کرد، در این میان می‌توان به تونل قصر خلیفه فاطمی اشاره کرد که طراحی درون قصر آن، الهام گرفته شده از تونل قصر خلیفه معتصم در سامراء است. تونل مذکور در قصر، اتاق‌های خلفا را به حریم قصر متصل می‌نمود.^{۱۳} بحث دیگر در رابطه با معماری منازل مسکونی است که قدیمی‌ترین منازل مسکونی کشف شده در حفاریات فسطاط مصر، نشان می‌دهد که تا چه اندازه معماری عراق در عصر عباسیان، بر معماری مصر در دوران طولونیان تأثیرگذار بوده است. به طوری که طراحی خانه‌ها متشکل از حیاطی بوده است که، چهار ایوان آن را احاطه کرده یکی از ایوان‌ها T شکل بوده است. چنین طرحی از منازل مسکونی، قبل از منازل فسطاط در قصر "الاخیضر" عراق نیز، در سال (160هـ/ 776م) به کار رفته بود.^{۱۴} منازل مسکونی شهر عسکر، نمونه‌ای دیگر از تأثیرگذاری معماری خانه‌های مسکونی عراق بر مصر است. خانه‌های مسکونی شهر عسکر، از ایوانی در وسط و دو اتاق در دو طرف آن تشکیل شده است که در جلوی خانه سقیفیه‌ای وجود دارد که بر حیاط خانه

از طریق سه دریچه اشراف می‌یابد. این نوع طراحی منازل پیش از این نیز، در معماری خانه‌های اخیضر و منازل سامراء در عراق (228-221 هجری) به کار رفته بود.

در ادامه بحث تأثیرات عناصر معماری منازل مسکونی، به ورودی‌های منحرف، یا به عبارت دیگر، ورودی‌های شکسته پرداخته می‌شود. این نوع ورودی‌ها، در خانه‌های فسطاط که دو ایوانه هستند مشاهده شده است،^{۱۵} که علی رغم رواج آنها در قصر غربی عزیز بالله، خلیفه فاطمی در دوره فاطمیان، در عراق نیز، به کار رفته است و ورودی خانه‌های بغداد بهترین و آشکارترین نمونه از ورودی‌های شکسته می‌باشد.^{۱۶} لازم به ذکر است که این نوع ورودی‌ها در بناهای شام، در دوره اتابکی مقارن با جنگ‌های صلیبی نمایان گشت و پس از آن صلاح الدین ایوبی، زمانی که به حکومت مصر رسید، در دوران وزارت عاضد فاطمیان نوع معماری را، در یکی از دژهای قاهره و بعد از آن، در ورودی قله الجبل (572 هجری / 1176م) به کار گرفت و پس از آن ورودی‌های شکسته در بناهای مغرب اسلامی (مدخل الرواح در رباط) نمایان گشت و بعدها مورد تقلید اروپائیان در بنای قلعه‌ها و دژها قرار گرفت.^{۱۷}

در واقع کاربرد ورودی‌های شکسته، یا کجدر بناهای مسکونی، دو هدف را به دنبال داشت، در ابتدا به دنبال یک هدف اجتماعی بود که طی آن، نگاه عابرین در خارج از منزل را می‌پوشاند و دیگر، هدف امنیتی آن بود که فرصت‌های دفاع را، در مواقع اضطراب و تشویش بیشتر می‌کرد. اما کاربرد مهم آنها در بنای شهرها، قلعه‌ها و دژها با انگیزه وهدف نظامی صورت می‌گرفته، گویی در هنگام درگیری‌های نظامی، از برخورد مستقیم با تیرهای مهاجمان جلوگیری می‌کرده است.

نوع دیگری از این نوع ورودی‌ها، ورودی‌های برجسته از سطح دیوارها است که، اولین نمونه آن، در خان عطشان در عراق (161ه-777م) دیده شده است و پس از آن نیز، مصر تحت تأثیر عراق، این جلوه از معماری را در ورودی جامع حاکم در قاهره (عهد خلفای فاطمی 390-403 هجری) به کار گرفت.^{۱۸} البته در این میان، جای شک و تردید است و با قاطعیت نمی‌توان بیان کرد که مصر، این جلوه از معماری را به طور مستقیم از عراق گرفته است، یا اینکه به طور غیر مستقیم از مغرب اسلامی، دریافت نموده است، دلایلی که سبب وجود این شک و تردید می‌باشد این است که این نوع از ورودی‌ها، در برخی بناهای مغربی مانند ورودی مسجد مهدیه در تونس (303-308هـ/

920-915م) به کار رفته بود.^{۱۹} دیگر اینکه، شمال آفریقا در این برهه از زمان، تحت سلطه خلافت فاطمیان در مصر بوده است که این امر خود می‌تواند دلایلی بر تأثیرگذاری این جلوه از معماری ازسوی مغرب اسلامی بر مصر باشد. نوع دیگری از معماری منازل مسکونی را که می‌توان نام برد، ساخت ایوانها در جهت راست وچپ حیاط خانه به صورت جناههای متناظر با هم است که این شیوه ساخت، از معماری معروف به شیوه "حیری" - به دلیل رواج این نوع از جلوه‌های معماری در قصرهای حیره عراق - می‌باشد. شیوه حیری در بناهای عصر اسلامی دوره امویان، در برخی بناهای مسکونی کوفه و واسط وپس از آن در عصر عباسیان در دژهای اخیضر به کاررفته است. همین شیوه حیری در خانه‌های فسطاط در مصر نیز، نمایان شده است که گویای تأثیر پذیری مصر از عنصر دیگری از عناصر معماری عراق است.

به عنوان آخرین نکته در بحث معماری منازل مسکونی، لازم به ذکر است که اقلیم و آب وهوا نیز، به عنوان عوامل مؤثر در طراحی منازل مسکونی تأثیر بسزایی داشته اند. در واقع، میدانگاه جلوی خانه، یا در کنار آن، علاوه بر کاهش شدت نور وحرارت تابستان، در طول زمستان نیز، در صورت بسته بودن دریچه هاخانه را گرم نگه داشته و مانع از ورود گردو غبار می شده است، هر چند ساکنان خانه را هم از انظار عموم در خارج می‌پوشاند.^{۲۰} ایوان نیز، که در این میان، به مثابه حیاط سقف دار به شمار می‌رفته است در اکثر مناسبات خانوادگی به کار گرفته می‌شود وجود آن به تهویه و مطبوع کردن هوا در تابستان کمک می‌کرد.

آخرین بحث از تأثیرات عناصر معماری بین عراق و مصر را می‌توان به طاق‌ها، در دو مقوله طاق مدبب (مخروطی شکل) و طاق مفصص (قوسی شکل) اشاره نمود. در دوره اسلامی، طاق‌های مدبب عادی، هم در عصر امویان (در مسجد اموی دمشق 96هـ / 717م) هم در عصر عباسیان (در دژ اخیضر و جوسق) به کار گرفته شده است. این جلوه از معماری همانند دیگر جلوه‌های معماری عراق، بر مصر تأثیرگذار بوده است به طوری که، در سال (247هـ / 861م) در بناهای مصر به کار رفته‌است و پس از آن هم، به صورت گسترده در مشرق و مغرب جهان اسلام و همچنین در بناهای اروپا نیز ظاهر شد.^{۲۱} نوع دیگری از طاق‌های مخروطی شکل، غیر از مخروطی شکل عادی، در معماری اسلامی وجود داشته که به طاق‌های مخروطی شکل چهار مرکزی معروف هستند. این نوع طاق‌ها گفته شده است که از ابداعات و ابتکارات مسلمانان، در معماری بوده است و نخستین نمونه

آن نیز، در باب بغداد (الرقه) در حدود سال (155هـ/ 771م) ظاهر شد که پس از آن در قصر جوسق و مسجد جامع ابی دلف و سپس در بناهای مغرب‌اسلامی بکار گرفته شد و سرانجام، در عهد خلفای فاطمی این جلوه از معماری که منشاء عراقی داشت وارد مصر شد. البته گفته شده است که، به طور مستقیم از عراق بر مصر تأثیر گذار نبوده بلکه به شکلی غیر مستقیم، از مغرب به مصر منتقل شده است.^{۲۲}

اما، طاق‌های قوسی شکل (المفصصه) که مبتنی بر اشکال دایره، یا شکسته بوده است از دیگر ابتکارات مسلمانان در هنر معماری به شمار می‌آید که نخستین نمونه آن در قاهره در مناره مسجد "الحاکم" خلیفه فاطمی، در حدود سال (380-403 هـ) و همچنین در یکی از محراب‌های مسجد طولونی دیده شده است.^{۲۳}

در قرن پنجم هجری/ یازدهم میلادی، به کارگیری این نمونه از طاق‌ها در بناهای مشرق و مغرب عربی فراوان شد به طوری که، عراق نیز، در این قرن از این گونه جلوه‌های معماری مصری، در بناهای خود متأثر شد که نمونه‌های آن را می‌توان طاق‌های ضریح محمدالدوری و محراب عمارت اربعین در تکریت نام برد.^{۲۴} البته، این جلوه از معماری (5 هـ/ 11م) در قلعه ابن حماد الجزایر نیز، به کار رفته است.^{۲۵}

نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده از این پژوهش، بر اساس شواهد مثال نشان می‌دهد که: بین عراق و مصر علاوه بر مراودات، تأثیرات معماری بسیاری وجود داشته است بالاخص در دوره اسلامی، که به واسطه وجود وحدت سیاسی و فرهنگی بین این دسته از کشورها، که زاینده ظهور اسلام در آن سرزمین‌ها بوده است، دامنه تأثیرات و تبادلات معماری و هنری نیز، گسترش یافته به طوری که، مبادله و فرستادن والیان و حکام، مهاجرت ارباب حرف و صنعتگران و نقل و انتقالات صنایع از عراق به مصر و همچنین از مصر به عراق، نقش مؤثری در این امر ایفا نموده است.

نکته قابل توجه که باید در این پژوهش تحلیلی - مقایسه‌ای، به آن اشاره نمود، کثرت و شدت تأثیرگذاری معماری عراق بر مصر است، که بی‌شک معلول عواملی بسیاری است عواملی هم چون؛ وجود بغداد به عنوان مرکز جهان اسلام در عراق، کثرت مراکز فرهنگی و تمدنی در عراق نسبت به

مصر، علاقه و اهتمام شدید خلفای عباسی به معماری و ساختمان سازی و بالاخره این که در آن دوره، مصر تحت سیطره و تابعیت عراق با مرکزیت بغداد بوده است و والیانی که از طرف عراق، بر مصر منسوب می‌شدند، اکثر در عراق زیسته‌اند. بر همین اساس، زمانی که به عنوان والی مصر به ساخت و ساز می‌پرداختند به طور قطع، از عناصر معماری عراق تأثیر می‌پذیرفتند که اقدام احمد ابن طولون دلیلی بر این مدعا است.

یادداشت‌ها:

- 1 - ابن تغری بردی، ابوالمحاسن جمال الدین یوسف، نجوم الزهره فی ملوک مصر و القاهره، القاهره، 1935، ج 1، ص 226.
- 2 - شافعی، فرید، العماره العربیه فی مصر الاسلامیه، القاهره، 1970، ج 1، ص 238.
- 3 - العبیدی، صلاح حسین، تحف المدینه الموصلیه فی عصر العباسی، بغداد، 1970، ص 25.
- 4 - عکوش، محمود، تاریخ الجامع الطولونی، القاهره، 1927، صص 30-31.
- 5 - عبدالوهاب، حسن، من روائع العماره الاسلامیه فی مصر، القاهره، 1965، ص 309.
- 6 - شافعی، همان، ص 403.
- 7 - عبدالوهاب، همان، ص 35.
- 8 - همان، ص 25-29.
- 9 - شافعی، همان، ص 41.
- 10- Creswell, (K.A.C.), The muslim Architecture, Oxford, 1932, pp 237.
- 11 - شافعی، همان، ص 423.
- 12 - همان، ص 425.
- 13 - صالح، لمعی، المصطفی، التراث المعماری فی مصر، بیروت، 1975، ص 84.
- 14 - همان، ص 80.
- 15 - همان، ص 435.
- 16 - فکری، احمد، مساجد القاهره و مدارسها، القاهره، 1965، ص 35.
- 17 - همان، ص 272.

- 18 - زكي، عبدالرحمان، القاهره ، تاريخها و آثارها من جوهر الصقلي الى الجبرتي المورخ، القاهره، 1966، ص 54.
- 19 - فكري، همان، 1965، ص 82.
- 20 - شافعي، همان، ص 82.
- 21 - فكري، احمد، التأثيرات الفنيه الاسلاميه العربيه على الفنون الاروبيه، مجله سومر 23، بغداد، 1967، ص 75.
- 22 - شافعي، همان، ص 413.
- 23- Shafiei (F),Early fatimi, Mahrab OF ibn Tulun Bulletin OF the Faculty OF Arts,1953, Pp 75-81.
- 24 - حميد، عبد العزيز، عماره الاربعين في تكريت، بغداد، 1965، ص 140.
- 25- Marcais (G), Manuel, Art musulman, Architecture, paris, 1920, Pp 155.